

۹۵



فرزند یک امانت است

رضا وظیفه‌مند



بسم الله الرحمن الرحیم

رهنما ۹۵ (فرزند یک امانت است)

نویسنده:

رضا وظیفه مند

ناشر چاپی:

انتشارات آستان قدس رضوی - به نشر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

رهنما۹۵ (فرزند یک امانت است)

مشخصات کتاب

سرشناسه : وظیفه مند، رضا، ۱۳۵۹ -

عنوان و نام پدیدآور : فرزند یک امانت است: عوامل و روشهای موثر در تربیت فرزندان/ نویسنده رضا وظیفه مند ؛ »به سفارش « معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی»آستان قدس رضوی«.

مشخصات نشر : مشهد: انتشارات قدس رضوی،۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۵۲ص.؛۱۰×۱۵س م.

فروست : رهنما؛۹۵.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۲۹۹-۰۷۸-۵

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : واژه نامه.

یادداشت : کتابنامه.

موضوع : تربیت خانوادگی -- جنبه های مذهبی -- اسلام

شناسه افزوده : موسسه انتشاراتی قدس رضوی

شناسه افزوده : آستان قدس رضوی. معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

رده بندی کنگره : BP۲۵۳/۴/و۶ف۴ ۱۳۹۱

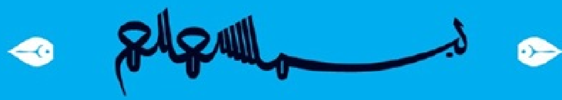
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۶۴۴

شماره کتابشناسی ملی : ۳۰۵۴۶۱۵

ص:۱

اشاره

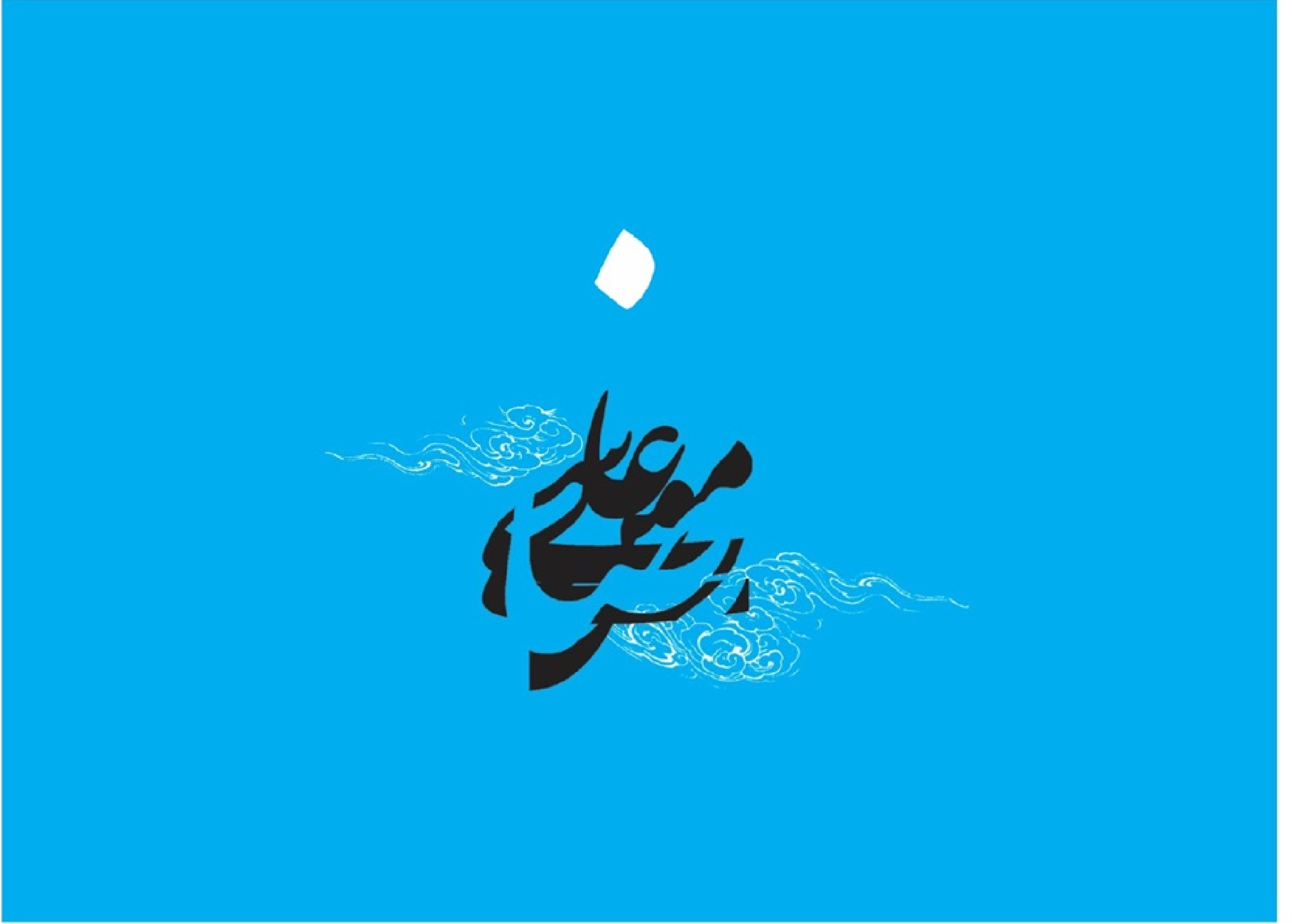
تصویر



ص:۲

پرسیدن برای یافتن راه، خود، ارزش است...
و هر فرهنگی که به پرسشگری بها دهد
و زیباترین، دقیق‌ترین و ساده‌ترین پاسخ‌ها را پیشِ رو بگذارد،
گسترش و دوام خود را تضمین کرده است.
مهم، انتخاب بهترین راه است...
و **رهنما** گامی است در این مسیر.
همگامِ ما باشید و با طرح دیدگاه‌های رنگارنگتان، یاری‌مان کنید.

تصویر



ص:۴۰

فرزند یک امانت است!

عوامل و روش های مؤثر در تربیت فرزندان

اگر دغدغه دارِ پرسش های زیرهستید، این کتاب برای شماست:

۱. تربیت دینی به چه معناست؟

۲. عوامل و زمینه های مؤثر در تربیت فرزندان چه می باشد؟

۳. خانواده، همسالان، مدرسه، رسانه و... چه نقشی در تربیت فرزندان دارند؟

۴. برای تربیت درست فرزندانمان چه روش هایی وجود دارد؟

تصویر



ص:۶

درآمد

اهمیت و ضرورت تربیت انسان بر کسی پوشیده نیست. هیچ مکتب و مذهب یا گروهی نیست که اهمیت و ضرورت تربیت انسان را انکار کند. متأسفانه، در جهان کنونی که رفتار انسان در قالب فنّاوری رفتار و مهندسی ژنتیک شکل می گیرد، زندگی اخلاقی بشر در اثر تزلزل نظام های ارزشی و انحلال مبانی و مقدسات در معرض تهدید قرار گرفته است؛ به این صورت که انسان عقاید پایدار و استوار دینی را از دست داده و با بحران های گوناگون درونی و بیرونی مواجه است. دراین بین، بحران معرفت دینی از همه مهم تر و بدتر از آن، بحران تربیت دینی است.

تنها راه فرار از این بحران ها، روی آوردن به خویشتن خویش، یعنی فطرت اصیل و احساس درونی حقیقت جوست. به همین سبب، در بخش تعلیم و تربیت، به دو مقولهٔ تربیت دینی

و نقش دین در تربیت اقبـال فراوانی نشان داده انـد. پرداختن به مباحث تربیت دینی برای ما به این سـبب ضـرورت دارد که اکثر قریب به اتفاق جمعیت کشورمان مسـلمان و حکومت آن نیز اسـلامی است. ازسوی دیگر، در روایاتی که به دست ما رسـیده است، ائمـهٔ معصوم بر مسـئولیت تربیت دینی تصریح کرده اند.

امام سـجاد در رسالـهٔ حقوق، در بیان حقوق و مسـئولیت های والـدین می فرماینـد: وَ أَنَّکَ مَسْئُولٌ عَمَّا وَلَّیْتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَه عَلَی رَبِّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ الْمَعُونَهِ عَلَی طَاعَتِهِ؛ (= بـدان که تو مسـئول نیکو تربیت کردن فرزند خود و راهنمایی او به سوی خدا و کمک کردن او برای اطاعت از خدا هستی.)(۱)

همچنین امام خمینی نیز در مناسـبت های مختلف، بر تربیت دینی فرزنـدان تأکید می کردند؛ برای مثال، در دیدار با جمعی از معلمان فرمودند: «باید توجه داشته باشید که

۱- . شیخ صدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج۲، ص۶۱

این بچه هایی که پیش شما هستند، تربیت دینی بشوند.»(۱)

بـا تمام اهمیت و ضـرورتی که جوامع بشـری برای تربیت دینی قائل انـد، اختلافاتی در اهـداف و روش های تربیتی وجود دارد. این اختلافات، مکاتب فکری و دینی مختلف را بر آن داشته که هریک به تناسب اهداف و اصول و ارزش های خود، شیوه ای برای تربیت دینی فرزندان خود در پیش گیرند. در این نوشتار، سعی می کنیم در حد توان و گنجایش، با بهره گیری از منابع دینی و پژوهش های انجام شده در حوزهٔ تعلیم و تربیت و روان شناسی و علوم مرتبط دیگر، دسته ای از عوامل و روش های مؤثر درزمینهٔ تربیت دینی را مطرح سازیم.

۱- . امام خمینی، صحیفهٔ نور، ج۸، ص۹۲.

تصویر



ص:۱۰

۱. تعریف تربیت دینی

تربیت دینی مجموعه رفتارهای عمدی و هدف دار، به منظور آموزش گزاره های معتبر دینی به افراد دیگر است؛ به نحوی که آن افراد در عمل و نظر، به آن آموزه ها متعهد و پایبند شوند.(۱) ناگفته پیداست که در جریان تربیت دینی، لازم است مربی به نقش هدایتگرانهٔ خود آگاه باشد؛ همچنین نظارت مستمری بر روند پیشرفت تربیت دینی اِعمال کند، به گونه ای که همیشه مراقب این باشد که در فرایند تربیت و پرورش، چه آثاری بر فرد تحت تربیت (متربی) می گذارد. مربی باید متوجه موانع قطعی یا قرارگرفته بر سر راه فرد تحت تربیت یا موانع احتمالی باشد؛ ضمن اینکه به این نکتهٔ اساسی نیز توجه داشته باشد که هر نوع تربیت دینی متضمن نوعی آموزش دینی است.

ص:۱۱

۱- ۱. محمد داوودی، تربیت دینی، چ۶، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹، ص۲۶.

۲. عوامل و زمینه های مؤثر بر تربیت دینی

اشاره

مهم ترین عـواملی که در تربیت دینی فرزنـدان مؤثرنـد، عبـارت انـد از: ۱. عوامـل درونی: اراده، فطرت، داشـته هـای ارثی؛ ۲. عوامل بیرونی: خانواده، مـدرسه، دوسـتان، رسانه های جمعی و نهادهای فرهنگی و دینی؛ ۳. عوامل فوق طبیعی: امـدادهای الهی و اخلال های شـیطانی. نقش کلیـدی و اصـلی در تربیت دینی فرزنـدان، برعهـدهٔ عوامل درونی است و عوامل بیرونی در رتبهٔ بعدی قرار دارند. در میان عوامل بیرونی نیز به ترتیب، خانواده و مدرسه و تلویزیون نقش اصلی را در شکل گیری شخصیت دینی کودکان دارند؛ اما کم کم، نقش مدرسه و گروه دوستان و همسالان پررنگ تر می شود. رسانه هـای جمعی، نظیر روزنـامه هـا و کتـاب ها و مجلات نیز نقش خود را به صورت غیرمسـتقیم و به وسـیلهٔ عوامل تربیتی دیگر، در تربیت دینی فرزندان ایفا می کنند.

ص:۱۲

۲.۱. اراده

منظور از اراده و اختیار، به صورت دو واژهٔ مترادف، نوعی توانایی روانی ویژهٔ انسان است که شخص براساس آن می تواند در قلمرو خاصی، تأثیرات زیستی و محیطی را به سلطهٔ خویش درآورد و با گزینش خود، رفتار و مسیر رشد خویش را آگاهانه انتخاب کند. با توجه به این مفهوم، روشن است که برخی از ابعاد انسان به صورت طبیعی و خود به خود رشد می کنند و اراده در فرایند رشد این دسته از ابعاد، به طور مستقیم نقشی ندارد. این ابعاد عبارت اند از: رشد در مرحلهٔ پیش زادی و رشد سیستم عصبی و رشد جنبه های فیزیولوژیک؛ اما رشد در گروهی دیگر از ابعاد وجودی انسان، به گونه ای است که ارادهٔ فرد در آن نقش دارد.(۱)

از دیدگاه قرآن، تأثیر همهٔ عوامل محیطی و تا حدی وراثتی، مشروط به اراده و اختیار

۱- . علی مصباح و دیگران، روا ن شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی، ج۱، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۴، ص۲۴۵.

انسان است و بدون اراده و اختیار انسان، عوامل دیگر کارایی نخواهند داشت.(1) امام جعفر صادق در روایتی به این مطلب اشاره می کنند که اطـاعت و عصـیان ارادی اسـت؛ همچنیـن ویژگی هـای بیولوژیـک و فیزیولوژیـک را از قلمرو اختیـار خـارج می داننـد.(2) به هرحـال، انسان موجودی است که توانایی مقاومت در مقابل عوامل بیرونی و درونی را دارد و به دنبال آن، می تواند محیط را به طور کلّی یا جزئی تغییر دهد.

امروزه، انسانی که قرن ها تسلیم محیط طبیعی زمین بوده، به تدریـج در پرتو علم و دانش خود، در برابر وضـعیت محیط مقاومت کرده است و توانسـته تا حد چشـمگیری محیط را به نفع خود تغییر دهد. انسان تا حدی پیش رفته که توانسته است وضعیت جسمانی خود را با تغذیهٔ صحیح و فراهم کردن بهداشت و عوامل دیگر، به گونه ای مناسب تغییر دهد که بتواند

۱- ۱. انسان، ۴؛ مائده، ۱۰۰.

۲- ۲. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج۵، ص۵۹.

بیشتر زنـده بماند و وظایف خود را بهتر انجام دهد. روان شناسـی امروز نیز به گونهٔ روزافزونی به اختیار و اراده، به عنوان ویژگی روانی خاص انسان پرداخته که نقش تعیین کننده در رفتار و رشد انسان دارد؛ لذا تعدادی از انگیزه های عالی انسان را توصـیف کرده است که ویژگی شان این است که به انسان اختصاص دارند و اراده نیز نقش عمده ای در شـکوفایی آن ها دارد. این انگیزه های عالی شامل انگیزهٔ پیشرفت و انگیزهٔ قدرت و انگیزهٔ کمال می شود.(۱)

عوامـل محیطی و به خصوص، عناصـر فرهنگی نقش بسـزایی در رشـد اراده دارنـد و بخشـی از عوامـل لازم آن هسـتند. اسـلام به این عناصـر فرهنگی به شـکل برنامه های تربیتی و دسـتورالعمل های اخلاقی و حقوقی و نیز آداب ورسوم اجتماعی اشاره کرده است؛ برای مثال، اسـلام با سفارش به برخی فرائض مذهبی که ماهیت آن ها خودداری از ارضای فوری برخی

۱- . علی مصباح و دیگران، پیشین، ص۲۴۹.

تمایلات و نیازهای سطحی است، نظیر روزه، به تقویت اراده و اختیار کمک می رساند.(1) البته دراین باره نباید از تفاوت های فردی و جنسیتی در رشد اراده غفلت کرد؛ زیرا از برخی دستورالعمل های اسلامی می توان این نکته را استفاده کرد که رشد اراده و مبادی آن در دختران، زودتر از پسران اتفاق می افتد؛ به گونه ای که آنان را از نُه سالگی، به اَعمال ارادی خاصی، همچون روزه گرفتن و اطاعت از فرامین الهی موظف کرده است.

۲.۲. فطرت الهی

قطعِ نظر از برشمردن فطریات انسانی، آیات و روایات متعددی بر این نکته دلالت دارد که انسان از فطرتی الهی برخوردار است. در قرآن کریم، خداوند خطاب به ابراهیم می فرماید: «فَأَقِمْ وَجْهَکَ لِلدِّینِ حَنِیفاً فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِی فَطَرَ النَّاسَ عَلَیْهَا لَا تَبْدِیلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَٰلِکَ الدِّینُ الْقَیِّمُ...»؛ (= پس روی

ص:۱۶

۱- ۱. علی مصباح و دیگران، پیشین، ص ۲۵۸.

خود را با گرایش تمام به حق، به سوی این دین کن، با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است. آفرینش خدا تغییرپذیر نیست.)(۱) این آیه به صراحت بیان می کند که رو کردن به دین با فطرت حق گرا، درواقع، پیروی کردن از فطرت الهی و عمل به مقتضای الهی است.

پیامبر اکرم نیز فرموده اند: کُلُّ مَوْلُودٍ یُولَدُ عَلَی الْفِطْرَه فَأَبَوَاهُ یُهَوِّدَانِهِ وَ یُنَصِّرَانِهِ وَ یُمَجِّسَانِهِ؛ (= هر مولودی بر فطرت »الهی« متولد می شود و این پدر و مادر اویند که او را یهودی و نصرانی یا مجوسی می کنند.)(۲)

بدین ترتیب، فطرت الهی از دیگر عواملی است که در شکل گیری رفتارها و باورها و نگرش های انسان تأثیر دارد؛ لذا شایسته است در تربیت دینی، تلاش هایی برای بیدارسازی فطرت انسان صورت گیرد و مربیان از تحمیل فکری و فیزیکی خودداری کنند؛ زیرا زمانی

۱- ۱. روم، ۳۰.

۲- ۲. محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، ج۵۸، ص۱۸۷.

به تحمیل نیاز است که برای انسان، ارزشی خلاف خواست فطری وی ترسیم شود. در ادامه، به نکاتی چند دربارهٔ بُعد فطری اشاره می کنیم:

۱. کارآیی فطرت تا زمانی است که خطری آن را تهدید نکند و مانعی راه را بر آن نبندد و عوامل رشددهندهٔ آن فراهم شود؛ و گرنه ارزش های فطری نهفته در انسان شکوفا نمی شود یا حتی پس از شکوفایی، احتمال پژمردگی آن وجود دارد.

۲. در سیر تربیت، سه گروه از خطراتِ متناسب با ابعاد سه گانهٔ انسان، شکوفایی ارزش های فطری را در مربی و فرد تحت تربیت تهدید می کند: خطر اول، خطری است که به شکل جهل یا غفلت یا تضاد شناختی بروز می کند و با بُعد بینشی انسان سروکار دارد؛ بنابراین ارزش، هرچند فطری باشد، نیازمند تبیین برای روشن شدن مصادیق آن است. بر این اساس، ابهام در هدف و ناآشنایی با مسیر هدایت و ندانستن مصداق صحیح ارزش ها موجب سردرگمی و گاه، انحراف می شود. خطر دوم، به بُعد گرایشی انسان مربوط است و موانعی،

همچون هوا و هوس، عشق کاذب، جاذبه های دروغین و سراب ها را شامل می شود. بسیار اتفاق می افتد که فرد در شناسایی مصالح خود مشکلی ندارد؛ اما در تضادِ انگیزه ها قربانی می شود و از نقطه ای ناصواب سر درمی آورد. خطرسوم، به بُعد کنشی انسان مربوط است، به گونه ای که فرد به رغم داشتن شناخت و انگیزه، به دلیل سستی و تنبلی اقدامی نمی کند.

۲.۳. عوامل مافوق طبیعی

از نگاه اندیشمندان مسلمان، عالَم هستی به دو بخش تقسیم می شود: عالَم غیب و عالَم شهود. عوامل ماورای طبیعی، همچون امدادهای الهی و اخلال های شیطانی، متعلق به عالَم غیب هستند و برخلاف وراثت و محیط، محکوم به قوانین طبیعت نیستند.(۱) امام صادق درزمینهٔ تأثیر عوامل ماورای طبیعی در تربیت خاطرنشان می کنند: مَا مِنْ مُؤْمِنٍ اِلّا وَ لِقَلْبِهِ فِی

۱- . محمد داوودی، نقش معلم در تربیت دینی، چ۴، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰، ص۹۱.

صَدْرِهِ أُذُنَانِ: أُذُنٌ یَنْفُثُ فِیهَا الْمَلَکَ وَ أُذُنٌ یَنْفُثُ فِیهَا الْوَسْوَاسُ الْخَنَّاسُ فَیُؤَیِّدُ اللهُ الْمُؤْمِنَ بِالْمَلَک؛ (= قلب هر مؤمنی که در سینهٔ او قرار دارد، دو گوش دارد: گوشی که فرشته در آن زمزمه می کند و گوشی که وسواس خناس «شیطان» در آن می خواند؛ پس خداوند متعال انسان مؤمن را با فرشته تأیید می کند.)(۱)

مهم ترین عامل ماورای طبیعی که در تربیت دینی انسان مؤثر است، امدادهای غیبی الهی است. خداوند کریم در قرآن می فرماید: «اِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِینَ آمَنُوا فِی الْحَیَاهِ الدُّنْیَا وَ یَوْمَ یَقُومُ الْأَشْهَادُ»؛ (= درحقیقت، ما پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده اند، در زندگی دنیا و روزی که گواهان برپای می ایستند، قطعاً یاری می کنیم.)(۲) بر این اساس، خداوند به صورت های گوناگون به مؤمنان امداد می رساند: گاه، امداد الهی قوّت قلب بخشیدن و

۱- . محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، ج۶۷، ص۴۸.

۲- ۲. غافر، ۵۱.

ثبات قدم دادن به مؤمنان در برابر دشـمنان است، مانند جریان مادر حضـرت موسی؛(۱) گاه، روشن بینی و هـدایتی است که خداوند در اختیار برخی قرار می دهد، مانند هدایت اصـحاب کهف(۲) و گاه، به صورت فراهم کردن زمینهٔ موفقیت و پیروزی است، همچون پیروزی مسـلمانان در جنگ بدر.(۳)

درمقابل، عوامل دیگری نیز به عنوان عوامل اخلالگر وجود دارنـد که شـیطان و یاران او در مسـیر تربیت دینی انسان به وجود می آورند. قرآن کریم دراین باره می فرماید: «اِنَّ الشَّیْطَانَ لِلْاِنْسَانِ عَدُوٌّ مُبِینٌ»؛(۴) بنابراین، او قسم خورده است که انسان را به هر طریقی که ممکن است،

۱- . قصص، ۱۰.

۲- . کهف، ۱۳.

۳- . آل عمران، ۱۲۳.

۴- . یوسف، ۵.

از راه راست منحرف کند: «قَالَ فَبِعِزَّتِکَ لَأُغْوِیَنَّهُمْ أَجْمَعِینَ.»(۱)

نکات درخور توجه در این موضوع آن است که انسان باید در اثر تربیت دینی، شرایطی، مانند مجاهدت (تلاش و کوشش در راه خدا) و اخلاص و صبر را فراهم سازد تا امداد الهی شامل او شود.

۲.۴. تعامل وراثت و محیط

محیط(۲) نیز به عنوان عاملی در پیدایش ویژگی های مؤثر در تربیت دخیل است. این ویژگی ها عبارت اند از: ۱. برخی صفات اخلاقی و حالات روانی، مانند غفلت از خدا یا توجه به خدا؛ ۲. برخی

۱- ۵. ص، ۸۲.

۲- . محیط شامل تمامی متغیّرهای خارج از وجود فرد می شود که از آغاز باروری و انعقاد نطفه تا هنگام تولد و سپس، تا هنگام مرگ، انسان را دربرمی گیرد و بر او تأثیر می گذارد یا از وی تأثیر می پذیرد؛ بنابراین، محیط به دو بخشِ محیط پیش از تولد (درون رحم) و محیط بعد از تولد تقسیم می شود که محیط دوم بسیار گسترده است و عوامل متنوعی را دربرمی گیرد که شامل محیط طبیعی و اجتماعی است نک: علی مصباح و دیگران، پیشین، ص۱۹.

حالات جسمانی، مانند سلامت، مرض، قوت و ضعف بدنی؛ ۳. برخی توانایی های ذهنی، مانند تیزهوشی یا کندهوشی. البته تأثیر خاص هر محیط بر ویژگی های جسمی و روحی انسان تردید پذیر نیست؛ بااین حال، گستردگی دامنهٔ این تأثیر درخور تأمل است.

ازسوی دیگر، این تأثیرات از محیط جدایی پذیرند و عواملی، همچون نوع فرهنگ و چگونگی تعامل مردم با یکدیگر نیز در آن مؤثر است. به هرحال، جای تردید نیست که هر محیط طبیعی تأثیرات خاصی بر انسان و ویژگی های او دارد که می تواند آسان کننده یا دشوار کنندهٔ تربیت فرد باشد.

وراثت هم به سه صورت ممکن است بر تربیت دینی مؤثر باشد:(۱)

۱. وراثت می تواند زمینهٔ تربیت دینی را در کودک فراهم سازد یا به عکس، نابود کند

۱- . محمد داوودی، نقش معلّم در تربیت دینی، ص۹۷و۹۸.

تصویر



ص:۲۴

و کودک را تربیت پـذیر یـا تربیت ناپـذیر کنـد. کودکانی که در اثر اختلال های وراثتی، به عقب مانـدگی ذهنی یا دیوانگی مبتلا می شونـد، تربیت پذیر نیستند؛ ازسوی دیگر، کودکانی که ازنظر ذهنی و روانی در حد متوسط یا عالی هستند، استعداد پذیرش تربیت دینی را به آسانی دارند.

۲. گاه وراثت تـأثیر مستقیمی بر آموزش معـارف دینی دارد، به گونه ای که میزان بهرهٔ هوشـی هر کودک بر میزان پیشـرفت آن ها در تربیت دینی اثر می گذارد. کودکانی که از بهرهٔ هوشـی بیشتر برخوردارند، می توانند به مدارج برتری از رشد و کمال دینی برسند. میزان توانایی فرد در فهم معارف دینی، بر دیگر ابعاد تربیت دینی، ازجمله عبادات و اعتقادات و صفات اخلاقی تأثیرگذار است.

۳. وراثت موجب پیدایش برخی صفات در فرد می شود که می تواند کار تربیت دینی را آسان یا دشوار سازد. برای مثال، اگر کودکی ازطریق وراثت، صفاتی، همچون شجاعت و

نجابت و خونسردی را داشته باشد، بخشی از تربیت اخلاقی مدنظر اسلام را داراست؛ اما اگر به عکس، صفاتی، مثل بزدلی و رذالت یا عصبانیت را به صورت موروثی داشته باشد، تربیت دینی او دشوار می شود. دراین صورت، در تربیت دینیِ این فرد باید ابتدا صفات ناشایست را از وی زدود و سپس، فضایل اخلاقی مطلوب را در وی ایجاد کرد.

نکتهٔ اساسی و درخور توجه آن است که با وجود کنش متقابل بین عوامل محیطی و جنبه های ارثی، این عوامل همیشه تعیین کننده نیستند؛ بلکه تعامل وراثت و محیط در قلمرو رفتارهای اختیاری انسان، نقش زمینه ساز دارد و عامل تعیین کننده، اراده و انتخاب شخص است.(۱) به همین دلیل، نقش سه عامل وراثت و محیط و اراده را در تعبیرات قرآن کریم دربارهٔ حضرت مریم، با وجود داشتن کمال اختیار ملاحظه می کنیم.(۲) بر همین

۱- ۱. علی مصباح و دیگران، پیشین، ص۲۴۳.

۲- ۲. آل عمران، ۳۷؛ تحریم، ۱۲؛ هود، ۴۶.

اساس، اسلام دربارهٔ انتخاب همسر و مسائل تولید نسل، دستورالعمل هایی پیشنهاد داده است که برخی از آن ها عبارت اند از:

۱. افراد باید به تبعیت از قانون وراثت، همسری برای ازدواج انتخاب کنند که تمامی اوصاف و سجایای اخلاقی و تربیتی شایسته را برای تربیت دینی فرزندان داشته باشد؛

۲. همسران برای تولید نسلی سالم و صحیح، درخصوص انتخاب اوقات آمیزش ازنظر کراهت و نحوست، دقت بیشتری کنند؛

۳. هیچ یک از والدین، غذای حرام و حتی شبهه ناک نخورند و بر تأثیرپذیری فرزندشان از نوع تغذیه و اخلاق و روحیات مادر در دوران بارداری و شیردهی اهتمامی ویژه داشته باشند.

۲.۵. خانواده

خاطرنشان می کنیم که کودک تا سن جوانی، بیشتر اوقات خود را در خانواده می گذراند و ازنظر مالی و عاطفی به والدین خود وابسته است و ازآنجاکه در سنین کودکی و نوجوانی

ص:۲۷

، تربیت پـذیری فرزنـد بیش از دیگر دوره هـای زنـد گی است، نقش خـانواده در تربیت دینی انکارناپـذیر و بسـیار گسـترده تر از دیگر عوامل است.

دراین بین، مسـئولیت والدین در تربیت فرزند و انتخاب شیوهٔ تربیتی مناسب، بسیار سرنوشت ساز است؛ تا حدی که روش ها و الگوهای تربیتی آن ها به طور مسـتقیم با ویژ گی هایی رابطه دارد که مایل انـد این ویژ گی ها در فرزنـدشان وجود داشـته باشـد؛ بنابراین، چگونگی رابطهٔ میان اعضای خانواده و نحوهٔ ارتباط والدین با فرزندان، در شکل گیری شخصیت آن ها اهمیت بسیاری دارد.

از نگاه آموزهای دینی، بهترین مـدل، مـدل تربیتی خانواده های مقتـدر است. امیرالمؤمنین دراین زمینه می فرماینـد: أَکْرِمُوا أَوْلَادَکُمْ وَ أَحْسِنُوا آدَابَهُمْ یُغْفَرْ لَکُم؛ (= فرزنـدانتان را گرامی داریـد و خوب تربیت کنیـد تـا خداونـد شـما را بیامرزد.)(۱) این فرمـایش حضـرت گواهی بر لزوم شخصیت دادن

۱- . شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج۲۱، ص۴۷۶.

به فرزندان است؛ زیرا امام درعین اینکه احترام به فرزندان را ضروری دانسته اند، بر الگودهی شایسته به آنان و طرز رفتار درست با آن ها نیز تأکید ورزیده اند. امام رضا نیز از شیوهٔ مؤثر احترام به فرزند در تربیت حضرت جواد تا جایی بهره می بردند که ایشان را با نام صدا نمی زدند؛ بلکه بیشتر با کنیه که نزد عرب نشان بزرگداشت و احترام است، ایشان را خطاب می کردند.(۱)

در توضیح این مطلب باید بگوییم که منظور از خانوادهٔ مقتدر، خانواده ای است که کودک را به شیوه ای اطمینان بخش و قاطع آزاد می گذارد. در چنین خانواده ای، والدین فرزند را به استقلال و آزادی فکری تشویق می کنند، درعین اینکه نوعی محدودیت و کنترل نیز بر فرزند اِعمال می شود. در چنین خانواده ای، اظهار نظر و ارتباط کلامی وسیعی در تبادل

۱- . محمد باقر مجلسی، بحارالأنوار، ج ۵۰ ، ص۱۹.

کودک با والـدین وجود دارد و گرمی و صـمیمیت و محبت بین آن ها در حد چشـمگیری است. از ویژگی های این گونه خانواده ها، داشـتن انضـباط به همراه رفتار خودمختارانه است. هرگاه والدین کودک را از چیزی منع کنند یا از وی انتظاری خاص داشـته باشـند، برای او مسئله را خوب تبیین کرده و دلیل آن را نیز مطرح می کنند.

در چنین خانواده ای تقسـیم کار نیز وجود دارد: هریک از اعضا مسـئولیتی به عهـده می گیرد و در تصـمیم گیری ها و تقسـیم درآمـدها، رفت وآمـدها، روش زنـدگی و دیگر مسائـل، براسـاس مشورت و پیروی از مبنـای عقلی و مصـلحت اندیشـی رفتـار می کنـد. اساس کار این نوع از خانواده ها آن است که همهٔ افراد خانواده درخور احترام اند و صـلاحیت اظهارنظر دربارهٔ مسائل و مشـکلات مربوط به خود را دارند؛ بنابراین، در تصـمیماتی که دربارهٔ آن ها می گیرند یا کاری که به آن ها مربوط است، حق دخالت دارند و در تصـمیم گیری ها، عاقلانه وظیفهٔ خود را انجام می دهند. نوعی روش عقلایی در تمام شئون زندگی این خانواده ها وجود دارد

ص:۳۰

و اساس این نوع زندگی، بر همکاری و همیاری است. بین اعضای چنین خانواده ای مشورت وجود دارد؛ ولی تصمیم نهایی را پدر می گیرد و برای تصمیمات خود، دلیل قانع کننده ای دارد.(۱)

در سیرهٔ تربیتی امام رضا نیز چنین آمده که ایشان با واگذاردن مسئولیت ها به فرزند خود، قدرت مدیریت و رهبری را در او تقویت کردند و نیز زمینهٔ استقلال و خوداتکایی وی را فراهم ساختند. حنان بن سدیر می گوید: «...حضرت جواد با اینکه کودک و نوجوان بود، پیوسته ادارهٔ کارهای حضرت رضا را در مدینه به عهده داشت و به خادمان حضرت امر و نهی می کرد و هیچ یک از خدمتگزاران با وی مخالفت نمی کرد.»(۲) این بدان معناست که

۱- . علی مصباح و دیگران، روان شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی، ج۲، چ۳، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵، ص ۸۷۰ تا ۸۷۴.

۲- ۱. عزیزالله عطاردی، مسند الامام الرضا، ج ۱، ص۲۱۴.

حضـرت جواد مـدیریت خوبی داشـتند و آن ها با ایشان مخالفت نمی کردند. با توجه به این مطالب درمی یابیم که خانواده تأثیر مثبت یا منفی در تربیت فرزند دارد که برخی از ابعاد این تأثیرات عبارت اند از:(۱)

۱. خـانواده در تعیین داشـته هـای وراثـتی فرزنـد مؤثر است. بهرهٔ هوشـی و توانـایی هـای جسـمانی و برخی صـفات شخصـیتی از راه وراثت به فرزنـدان منتقـل می شود. افزون بر این، نوع اَعمـال و رفتـار و تغذیـهٔ پـدر و مـادر پیش از انعقاد نطفـهٔ کودک و پس از آن، به طور مسـتقیم بر تربیت دینی کودک تأثیر می گذارد.

۲. نوع عکس هـا و پوسترهایی که بر دیوار خانه نصب می شود، در تربیت کودک مؤثر است. همچنین نوع برنامه های صوتی و تصویری و نیز نوع کتاب ها و مجلاتی که والدین به خانه

۱- . محمد داوودی، نقش معلم در تربیت دینی، ص۱۰۱ تا ۱۰۳.

می آورند و خود و دیگر اعضای خانواده استفاده می کنند، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، بر تربیت دینی کودک تأثیر می گذارد.

۳. نوع سخنان و گفت وگوهایی که در خانواده، میان والدین و دیگر اعضا مطرح می شود، همچنین لحن سخن گفتن که همراه با الفاظ احترام آمیز باشد یا زشت و رکیک، بر تربیت دینی کودک تأثیر می گذارد و نگرش او را به دین شکل می دهد.

۴. نوع رفتارهایی که در خانواده صورت می گیرد نیز بر تربیت دینی کودک تأثیر می گذارد. ازآنجاکه فرزندان به ویژه در سنین خردسالی، به شدت از رفتارهای والدین خود تقلید می کنند، نوع رفتار والدین در شکل گیری شخصیت دینی و اخلاقی و اجتماعی کودک بسیار مؤثر است. والدینی که اهل نماز، روزه، دعا، قرآن و توسل به اهل بیت باشند، فرزندان آن ها نیز خود به خود این رفتارها را از آنان فرامی گیرند.

۵. نوع تلقّی ها و انتظارهای والدین و خانواده از تربیت کودک نیز در شکل گیری شخصیت

دینی کودک تأثیر بسزایی دارد؛ یعنی خواست والدین مبنی بر اینکه فرزندشان متدین تربیت شود یا خیر یا چه اندازه به آموزه های دینی پایبند باشد.

۶. میزان کنترل والـدین بر رفتـار کودکـان و راهنمـایی منـاسب آن هـا در مسائـل دینی نیز نقش مهمی در تربیت دینی آنان دارد. والـدینی که کودکان خود را درزمینه های مختلف اعتقادی و عبادی و اخلاقی زیر نظر دارند و در مواقع لازم، مسائل ضـروری را به آنان آموزش می دهند یا منابع لازم را در اختیار آنان قرار می دهند، فرزندانشان در مسائل دینی موفق اند.

۷. نوع روابـط خـانوادگی نیز تأثیر بسـیاری در تربیت دینی فرزنـدان دارد. خانواده ای که با افراد و خانواده های متـدین که ازنظر اخلاقی سالم اند، رفت وآمد دارند، فرزندان آنان نیز با الگوها و اندیشه ها و دوسـتان شایسـته ای آشـنا می شوند که تأثیر مثبتی بر تربیت دینی آنان بر جای می گذارند. به عکس، ارتباط خانواده با خانواده ها و افرادی که پایبندی چندانی به دین ندارند، تأثیری منفی بر تربیت فرزندان خواهد داشت

ص:۳۴

۲.۶. مدرسه

مـدرسه به عنوان نهادی اجتماعی، اجزایی(۱) دارد که هریـک تـأثیرات خاص بر نوع رفتارها، نگرش ها، باورها و شـناخت های دینی کودکان می گـذارد. این تـأثیرات ممکن است مثبت یـا منفی باشـد. برنامـهٔ درسـی یـا محتـوایی که به کودکـان آمـوزش داده می شـود، ممکن است با شناخت ها، باورها، نگرش ها، ارزش ها و رفتارهای دینی سازگار یا متعارض باشـد. نوع برخورد برنامـهٔ درسـی با دین و تربیت دینی، تأثیراتی متفـاوت بر تربیت دینی دانش آموزان دارد؛ برای مثـال، اگر در برنامـهٔ درسـی مـدارس، آموزش هـای دینی جایی نداشـته باشـد، این تصور به دانش آموزان القـا می شود که دین و آموزه هـای دینی به انـدازهٔ نجاری و بنایی نیز ارزش نـدارد. ازسوی دیگر، گاه ممکن است مـدارس در تربیت دینی به آموزش همهٔ ابعاد دین نپردازند یا

۱- . این اجزا عبـارت انـد از: برنامـهٔ درسـی، ساختـار اداری، ظـاهر فیزیکی و ساختمان مـدرسه، تعامل معلم و دانش آموزان و نیز تعامل دانش آموزان با یکدیگر در مدرسه.

به تربیت دینی، به چشم موضوع فرعی و کم اهمیت بنگرند. دراین صورت، کودکان با تصور اینکه دین بسیار کم اهمیت است، فقط برای رفع تکلیف بدان می پردازند که موجب می شود تأثیری زیان بار بر تربیت دینی آن ها بگذارد.(۱)

متأسفانه ازجمله غفلت های بسیار بزرگ که درزمینهٔ آموزش دینی، در جامعهٔ ما صورت گرفته و به آن لطمه های فراوان وارد آورده، بی توجهی به روان شناسی افراد تحت تربیت است؛ حال آنکه در روایات اسلامی، شواهد گوناگونی وجود دارد که بزرگان دین ما از دیرباز به این موضوع مهم عنایت داشته اند.

توصیه های مکرر نویسندگان کتب و مقالات به معلمان، درزمینهٔ تناسب مواد آموزشی دینی با ظرفیت های روان شناختی کودکان، باعث شد که رونالد گلدمن تحقیقات وسیعی

۱- . محمد داوودی، نقش معلم در تربیت دینی، ص۱۰۴.

دربارهٔ رشـد و تکامل تفکر دینی کودکان آغاز کند.(۱) محرک وی در این تحقیقات، اشـتباهات بزرگی بود که کودکان در تعبیر شنیده های خود می کردنـد؛ زیرا کودکـان همواره واژه هـای متون دینی را برحسبِ تجربیات خود معنی می کننـد و این مسـئله گاه چنان تأثیرات منفی به همراه دارد که ممکن است تـأثیرات آن تـا سالیـان متمـادی بـاقی بمانـد. بنابراین، شایسـته است دست انـدرکاران تعلیم و تربیت دینی به رشـد مفاهیم گوناگون دینی کودکان (رشـد تفکر دینی) توجه دقیق و عمیق کننـد تا راه برای گزینش روش های مناسب آموزش دینی و زمان طرح برخی عقائد و مسائل دینی هموار شود.

باز بودن یا بسـته بودن ساختار مـدیریتی مدرسه نیز امکان بروز اسـتعدادها و خلاقیت یا بالقوه ماندن آن ها را به دنبال خواهد داشت. نوع رفتار کادر اداری مدرسه آثار تربیتی خاص

ص:۳۷

۱- . نک: ناصر باهنر، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان شناسی رشد، چ۹، تهران: بین الملل، ۱۳۸۷، ص۶۷.

دارد که ممکن است بـا نوع ارزش ها و نگرش ها و رفتارهای مطلوب در تربیت دینی سازگار یا مغایر باشـد.(۱) ساختار ظاهری مدرسه و نوع وسایل و تجهیزات اسـتفاده شـده در آن نیز تأثیرات خاصـی بر شـکل گیری نگرش ها و رفتارهای دانش آموزان دارد که ممکن است نگرشـی خاص به آنان القا کند و تأثیر مثبت یا منفی بر تربیت دینی دانش آموزان بگذارد.(۲)

هدف اصلی تعاملات معلمان و دانش آموزان تربیت علمی دانش آموزان است؛ ولی این تعامل بر نوع رفتارها، نگرش ها، ارزش ها و باورها و درنتیجه، بر شـکل گیری شخصـیت آنـان نیز تـأثیر می گـذارد؛ به صورتی که نگرش هـا، ارزش هـا، باورهـا و شـناخت هـای دینی کودکان را تقویت یا تضعیف می کند. ازسوی دیگر، ویژگی های فردی و شخصی معلمان نیز باعث می شود که

۱- ۱. محمد داوودی، نقش معلم در تربیت دینی، ص ۱۰۴.

۲- ۲. پیشین، ص۱۰۵.

دانش آموزان از آن ها در زمینه های مختلف الگو بگیرند.(۱) گروه های دوستی دانش آموزی نیز از راه های مختلفی، نظیر تأیید یا رد برخی ارزش ها و رفتارها و باورهای یکدیگر، بر اعضا تأثیر می گذارند که ممکن است تأثیری مثبت یا منفی در تربیت دینی فرزند داشته باشد.(۲)

۲.۷. گروه همسالان

تو اول بگو با کیان دوستی *** من آنگه بگویم که تو کیستی

هر انسانی به معاشرت با دوستان و همسالان خود نیاز دارد؛ زیرا احساس تعلق و وابستگی به دیگر انسان ها از نیازهای اساسی فردی است که درزمینه های مختلف، ازجمله رابطه با همسالان، بروز می کند و بر رشد روانی و جسمی و تربیتی و بالاخره شکل گیری شخصیت فرد تأثیر می گذارد.

ص:۳۹

۱- . پیشین، ص۱۰۶.

۲- ۲. پیشین، ص۱۰۷.

پیامبر می فرمایند: اَلْمَرْءُ عَلَی دِینِ خَلِیلِهِ وَ قَرِینِه؛ (= هرکسی بر دین دوست و رفیق خود است.)(۱) تأثیر معاشرت با دوستان و همسالان بر کودکان شدیدتر است و ممکن است منفی یا مثبت باشد؛ زیرا هنوز ساختار شخصیتی کودک به طور کامل شکل نگرفته است.

دوستان و همسالان از چند راه بر رفتار و نگرش و شخصیت دینی فرزندان تأثیر می گذارند:

۱. با الگودادن؛

۲. تقویت یا تنبیه: اگر گروه همسالان رفتاری را تقویت کند، آن رفتار در فرد تثبیت می شود؛ به عکس، اگر گروه همسالان رفتاری را تأیید نکند و کودک به سبب آن مسخره یا طرد شود، آن رفتار حذف می شود؛

۳. گاه موقعیت کودک در گروه همسالان نیز باعث قوت یا ضعف خودپندارهٔ وی می شود؛

۱- ۱. محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، ج۷۱، ص۲۰۱.

۴. دیگر آنکه گروه همسالان منبع اطلاعاتی هستند که بر نگرش دینی کودک و تعیین سلیقهٔ وی تأثیر می گذارند.

با توجّه به این مطالب، شایسته است که والدین توجه کنند که دوستی فرزندان در دورهٔ کودکی، فقط رفاقت ساده ای است که بر اثر اشتراک عادات و به خصوص بازی ایجاد می شود؛ اما به سبب وابستگی عمیق فرزند به خانواده و تداوم نیافتن دوستی های وی با دیگران، امکان کنترل مستقیم بر رفتارها و ارتباطات وی با دیگران به راحتی فراهم است. درمقابل، در دوران نوجوانی، هم زمان با تضعیف پیوند بین والدین و فرزندان، ارتباط آن ها با همسالان و دوستان به گونه ای افزایش می یابد که ممکن است اِعمال کنترل شدید و دخالت های نابجای والدین، به مهم ترین عامل مشکل ساز در روابط فرزند و والدین تبدیل شود.

والدین می توانند ضمن حفظ موضع برتر خود، با درک نیازهای فرزندان، برای کمک به آن ها ابراز اشتیاق کنند و اجازهٔ بروزدادن احساسات مختلف را به آنان بدهند که این میسّر

ص:۴۱

نمی شود، مگر بـا ایجـاد ارتبـاط قوی بـا فرزنـد و نظـارت و کنترل غیرمسـتقیم بر دوستی هـا و ارتباطـات وی. برای مثـال، والـدین برای کنترل ارتباطـات فرزنـد بـا همسالان می تواننـد با دعوتی ساده از دوسـتان وی، با آن ها آشـنا شونـد تا با اطلاع از علایق و خواسـته های دوسـتان او، وضعیت بهتری برای درک کردن وی فراهم سازند.

۲.۸. نهادهای دینی و فرهنگی

حضور فرزندان در مؤسسات دینی و فرهنگی، مثل مساجد، هیئت های مذهبی، مجالس روضه و فرهنگ سراها علاوه بر آنکه نقش آموزشی دارد، نقش تربیتی نیز دارد؛ به گونه ای که می توان در این اماکن، با آموزش اخلاقیات، آداب ورسوم، قوانین و هنجارهای اسلامی، به هویت اسلامی کودکان شکل داد تا در تربیت دینی آنان تأثیر بسزایی داشته باشد.

۲.۹. وسایل ارتباط جمعی

مراد از وسایل ارتباط جمعی، رادیو، تلویزیون، مطبوعات، سینما و اینترنت است. از آغاز

دهۀ ۱۹۷۰، استفاده از رادیو و تلویزیون برای تربیت دینی در سطح جهانی، به صورت بی سابقه ای گسترش یافته است؛ درحالی که پیش تر، در بسیاری از کشورها، برنامه سازان فقط گاهی برنامه های دینی را در رادیو و تلویزیون نمایش می دادند.(۱)

درمجموع، می توان گفت که نفوذ این وسایل ارتباطی از نفوذ خانواده و مدرسه و همسالان نیز بیشتر است. این وسایل ارتباطی با ارائۀ الگو و اطلاعات و نگرش های خاص راجع به موضوعات مختلف، ممکن است تأثیر مثبت یا منفی بر تربیت دینی کودکان و شکل گیری شخصیت آن ها بگذارند.

آمارهای رسمی نشان می دهد که افراد ایرانی نزدیک به چهار ساعت و نیم در روز، تلویزیون مشاهده می کنند و این میزان در کشورهای دیگر به شش ساعت می رسد. میزان

ص:۴۳

۱- ۱. عبدالرضا ضرابی، مجموعه مقالات تربیتی، چ۱، مؤسسۀ آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۸، ص۹۷

تصویر



استفاده از اینترنت و اتاق های چَت را در برخی کشورها، بیش تر از این گزارش کرده اند.(۱)

حال اگر محتوایی که ازطریق وسایل ارتباط جمعی ارائه می شود، مفید و سازنده باشد، تأثیر خوبی بر فرزندان می گذارد و می تواند زمینه ساز تربیت دینی وی باشد؛ ولی اگر محتوای ارائه شده مضر باشد، تأثیر سوئی بر رفتارها، نگرش ها و شخصیت آنان بر جای خواهد گذاشت. امام خمینی دراین زمینه می فرمایند: «در زمان طاغوت، همهٔ این دستگاه ها »رادیو و تلویزیون و دستگاه آموزشی« دستگاه هایی بود که جوان های ما را خواب می کرد. همه را می خواست از سرنوشت خودشان غافل کند؛ درصورتی که سینما برای این مقاصد شومی که این ها در این مدت طولانی طرح ریزی کرده بودند، نبوده. این ها چیزهایی است که آموزشی است. رادیو، تلویزیون یک دستگاه آموزشی است.»(۲)

ص:۴۵

۱- . گروه روان شناسی، تقویت نظام خانواده و آسیب شناسی آن، ج۲، چ۳، مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۸، ص۲۰۱

۲- ۱. امام خمینی، صحیفهٔ نور، ج۵، ص۲۱۰.

۳. روش های تربیت اسلامی

اشاره

مراد از روش های تربیتی، شیوه ها و رفتارهایی است که مربی برای تحقق بخشیدن به اهداف تربیتی، به کار می بندد. درحقیقت، روش های تربیتی مظهر و نمود کار تربیت اند و بخش بزرگ موفقیت مربی و یک نظام تربیتی، درگرو شیوه هایی است که برای رسیدن به اهداف تربیتی به کار می گیرند.

۳.۱. روش های خاص

اشاره

روش هایی هستند که اغلب، یا در بُعد ایجاد و تثبیت خصلت و رفتاری مطلوب و پسندیده به کار می رود یا در بُعد حذف و کاهش رفتار و صفتی ناپسند. دو دستهٔ کلّی از این روش های تربیتی عبارت اند از: ایجادی و اصلاحی.

ص:۴۶

۱.۳.۱. روش های ایجادی

مراد از روش های ایجادی، روش هایی است که در ایجاد رفتاری تازه یا تـداوم و تثبیت رفتارهای نیک و درست به کار می رود. این روش ها عبارت اند از:

۱. تربیت الگویی: در این روش، مربی برای ترغیب فرد تربیت پذیر به انجام دادن یا تداوم عملی و نیز دارا شدن صـفتی پسندیده، تربیتی به کار می گیرد تا فرد تربیت پـذیر بتوانـد شخصـی را که در نظرش مهم و محبوب است، در حال انجام دادن آن عمل و رفتار ببینـد یا نتیجهٔ صـفت و خصلت او را مشاهده کند.

بر این اسـاس، «الگوها می تواننـد گاه عینی و مسـتقیم و گاهی نیز تاریخی و غیرمسـتقیم باشـند. نَقل ِفعالیت ها و منش تربیتی چهره های مورد احترام و اعتبار، از نوع ارائهٔ الگوی غیرمستقیم است؛ اما همان گونه که مشاهدهٔ الگوی عینی نقش تهییجی دارد، اطلاع و

آگاهی از الگوهای معتبر تاریخی هم این نقش را ایفا می کند.»(۱)

تأثیر عمیق و جدّی الگو مبتنی بر روحیهٔ تقلید و همانند سازی در انسان است که قرآن نیز در آیهٔ ۳۱ سورهٔ مائده، ضمن بیان داستان قابیل و درماندگی وی در پنهان سازی جسد برادرش به آن اشاره می کند. در روان شناسی امروز نیز می توان از سازوکارهای تربیتی معصومان استفاده کرد که این کار گونه ای الگوسازی است؛ به ویژه، در معتقدان به منزلت والای آنان، نقش تهییجی و ترغیب کنندهٔ روانی دارد. البته بحث های دیگری نیز درخصوص این موضوع امکان مطرح شدن دارد که به دلیل اختصار به آن نپرداختیم.

۲. بشارت دادن: مربی در این روش، با آگاهی دادن از نتایج و ثمرات کارهای نیک و خوب به متربّی، شوق و انگیزهٔ کافی برای انجام دادن عمل را در او فراهم می سازد و آن چنان

۱- ۱. سیدعلی حسینی زاده، پیشین، ص۲۶.

سروری در وی ایجاد می کند که اثر و نتیجهٔ آن در ظاهر و صورت او آشکار می شود. در بحث تربیت دینی، گاه ممکن است تکالیف تربیتی مستلزم تحمل مشقات و سختی هایی باشد و رغبت و انگیزهٔ لازم را در متربّی فرونشاند؛ لذا برای کاهش احساس این دشواری و جایگزینی امید و عشق به جای آن، باید از روش بشارت دادن استفاده کرد.

۳. تشویق: این روش در روان شناسی «تقویت» نام دارد. در این روش، پس از آنکه فرد تحت تربیت، رفتاری مطلوب از خود نشان داد، مربی به منظور افزایش و تکرار و تثبیت عمل و رفتار او، به او محرک مطلوبش را ارائه می دهد. ویلیام جیمز دراین باره می گوید: «عمیق ترین انگیزه در نهاد آدمی، عطش تحسین شدن است.»(۱)

تشویق به صورت های گوناگون گفتاری و کلامی یا عملی و فعلی می تواند انجام شود که

۱- ۱. حسین دهنوی، نسیم مهر، ج۲، چ۶، قم: خادم الرضا، ۱۳۸۵، ص۵۰.

در سیرهٔ پیامبر و ائمهٔ معصوم نیز به چشم می خورد. ذکر اوصاف مؤمنان در قرآن و روایات و وعده های الهی به بهشت و پاداش اَعمال نیکوکاران، جلوه هایی از تشویق در فرهنگ اسلامی به شمار می روند. محققان برای اینکه امر تشویق همگام با اصول تربیتی صحیح باشد و زیان و خطری برای فرد و جامعه به بار نیاورد، نکاتی را یادآوری کرده اند.(۱) این نکات از این قرارند:

۱. مربی تا حد ممکن از ظهور چشمگیر جنبه های مالی تشویق پیشگیری کند؛ زیرا غفلت از این مسئله، فرد را به سوی دنیاخواهی سوق می دهد؛

۲. مربی دقت کند که تشویق بیش ازاندازه نباشد که در غیراین صورت، زیانش بیش از نفع آن خواهد بود؛

۱- ۱. عباس اسماعیلی یزدی، فرهنگ تربیت، قم: مسجد مقدس جمکران: ۱۳۸۲، ص۱۰۸.

۳. بهتر است تشویق مکرّر نباشد که با تکرار، از ارزش آن کاسته خواهد شد؛

۴. تشویق نباید حالت رشوه و تملق به خود بگیرد؛

۵. تشویق در هر کاری، باید متناسب با آن کار و درخور شأن شخص باشد؛

۶. مربیان بهتر است در تشویق، مسائل اجتماعی و مقررات دینی و معتقدات فرهنگی را درنظر بگیرند؛

۷. لازم است مربی برای کارهایی شیوهٔ تشویق را به کار گیرد که خطر و زیان فردی و اجتماعی به بار نیاورد؛ همچنین بهتر است افراد را به کارهایی ترغیب کند که شرع نیز آن را تأیید می کند.

۲.۳.۱. روش های اصلاحی

روش های اصلاحی به آن دسته از روش های تربیتی می گویند که هدف از آن ها، حذف یا

کاهش رفتاری ناپسند، اعم از رفتار ظاهری یا مسائل درونی، همچون تفکرات ناصحیح و ناپسند است. برخی از این روش ها عبارت اند از:

۱. تغافل: یکی از نیازهای معنوی و روحی انسان ها این است که مایل نیستند دیگران از خطا و اشتباهات آن ها مطلع شوند و از این راه، خواهان عزت نفس خویش اند. دراین بین، انتساب به غفلت از روش های نیکوی برخورد با متربی است، البته درصورتی که خطای وی ناچیز و اندک باشد؛ یعنی مربی باید فرض را بر آن بگذارد که صدور چنین عملی از این فرد، از سرِ غفلت و ناآگاهی به عواقب سوء آن عمل بوده یا اصولاً از قبح و زشتی آن اطلاعی نداشته یا بر فرض اطلاع، سهواً و ناخواسته چنین عملی را انجام داده است.

این شیوهٔ تربیتی آثار مهمی دارد که برخی از آن ها عبارت اند از: اول، حرمت متربی محفوظ می ماند، به ویژه اگر در نهان خطا کرده باشد، فرصتی برای تجدید نظر می یابد؛ دوم، قدر و منزلت مربّی در نزد فرد تحت تربیت حفظ می شود. امیرالمؤمنین می فرمایند: عَظِّمُوا

أَقْدَارَكُمْ بِالتَّغَافُلِ عَنِ الدَّنِيِّ مِنَ الْأُمُور؛ (= قدر و منزلت خویش را با تغافل گرامی بدارید.)(۱)

۲. انـذار: این روش در نقطـهٔ مقابـل روش ترغیب و بشـارت است و مراد آن است که فرد تربیت پـذیر را از نتایـج سوء عمل خود آگاه سازیم. توجه به این نکته خالی از لطف نیست که انـذار به معنای آگاهی دادن از مجازات و پیامـد سوء عمل است؛ برخلاف وعیـد که به معنای وعدهٔ مجازات و کیفر در صورت ارتکاب عمل ناشایست است.

۳. محروم سازی و جریمه کردن: انسان ها و حتی کودکان تعلقات و دلبستگی های فراوانی دارند. محروم سازی روشی است که در آن، متربی به سـبب انجام دادن رفتاری ناصواب، برای مـدتی معیّن، از دریافت آنچه مطلوبش است و بـدان رغبت دارد، بازداشـته می شود. البته بایـد سـه شرط را در این روش مدنظر قرار داد: اول اینکه نباید زمان محرومیت به قدری طول

۱- . محدّث نوری، مستدرک الوسائل، ج۱۱۹، ص۱۸۹.

بکشد که متربّی را مأیوس سازد؛ دوم اینکه محرومیت از نیازهای اساسی و اولیه، مثل آب، غذا و...، پسندیده نیست؛ سوم اینکه فرد تحت تربیت را باید از چیزی محروم کرد که به آن رغبت و علاقه داشته باشد؛ و الّا اگر خود متربّی به محرومیت از چیزی، مثل خروج از کلاس، متمایل باشد، این روش اثرگذار نخواهد بود.

۴. تنبیه: تنبیه در لغت، به معنای آگاهانیدن و بیدار کردن و واقف کردن به چیزی است.(۱) در اصطلاح، به عملی تنبیه می گویند که لازمهٔ آن، آگاه و هوشیار کردن باشد. چنین مشهور است که تنبیه ازنظر روان شناسان مطرود است و باید از آن اجتناب کرد؛ به دلیل آنکه آثار منفی از خود بر جای می گذارد. اما بیشتر دانشمندان و علمای اسلامی تنبیه را ازنظر اسلام جایز دانسته اند و برای آن شرایط و حدودی را تعیین کرده اند.

۱- . دهخدا، مادهٔ تنبیه

روشن است که تنبیه طبقِ معنای عام، دورساختن چیزی از ارگانیسم است که فرد خواستار آن است یا دادن چیزی است به او که طالب آن نیست.(۱) تنبیه اقسام گوناگونی دارد که عبارت است از: تغافل، بی اعتنایی، تهدید، تحقیر، سرزنش، تمسخر، محروم سازی، جریمه، تغییر چهره، روی برگرداندن و تنبیه بدنی؛ اما برطبق معنای خاص، ارائهٔ محرکی آزارنده یا تنبیه کننده است(۲) که این نوع تنبیه شامل تغافل و بی اعتنایی و محروم سازی نخواهد شد. دراین بین، تنبیه بدنی یا کتک زدن محل بحث و تردید است.

به هرحال، در بحث تربیت، مباحث بسیاری دربارهٔ تنبیه کودکان مطرح است؛ نظیر مقدار و سنّ تنبیه کودکان و اثرداشتن آن و کسانی که اجازهٔ تنبیه آن ها را دارند؛ اما در این فرصت، فقط به ذکر این نکته اکتفا می کنیم که روایات معصومان تنبیه کودک را برای تربیت کردن او جایز می دانند، گرچه این روش مطلوبیت درجه اول را ندارد؛ یعنی مادامی که برای

۱- ۲. بی آر هِرگِنهان، مقدمه ای بر نظریه های یادگیری، ترجمهٔ علی اکبر سیف، چ ۱۰، تهران: دوران، ۱۳۸۵، ص۱۱۶.

۲- . علی اکبر سیف، روان شناسی پرورشی، چ۵، تهران: آگاه، ۱۳۷۰، ص۲۴۶.

تربیت کودک از روش های دیگر بتوان استفاده کرد، بهتر است از این روش استفاده نشود. چه بسا اگر از روش های دیگر به نحو صحیح استفاده شود، هیچ گاه نیازی به تنبیه کودک احساس نشود؛ ولی درهرحال، اگر ازنظر مربی برای تربیت کردن کودک به تنبیه نیاز بود، تنبیه او جایز است و مضرات فرضی، در برابر اصل هدایت و تربیت کودک، اهمیت چندانی ندارد.

درخصوص تنبیه کردن باید نکاتی مدنظر قرار داد تا نتیجهٔ مطلوب بدهد: تنبیه باید بلافاصله بعد از عملِ نامطلوب و با توضیح همراه باشد تا متربّی بداند که به چه علت او را تنبیه کرده اند؛ همچنین شدت و مقدار تنبیه باید متناسب با عمل نامطلوب باشد. باید به خاطر داشته باشیم که ممکن است تنبیه شونده در برابر تنبیه کننده، از خود واکنش متقابل (پرخاشگری به شخص تنبیه کننده) نشان دهد یا کینهٔ او را به دل بگیرد؛ ضمن

ص:۵۶

اینکه ممکن است تنبیه در کودکان، علاوه بر صدمات جسمانی، سبب ترس و وحشت و اضطراب آنان شود. نکتهٔ آخر اینکه ممکن است زمانی که تنبیه کننده حضور نداشته باشد، کودک رفتار نامطلوب را تکرار کند.

۳.۲. روش های عام

اشاره

روش های عام روش هایی است که هم در بخش تربیت ایجادی و هم در بخش تربیت اصلاحی کارایی دارد. گاه مربی برای تربیت افراد، این گونه روش ها را به کار می گیرد. ارائهٔ شناخت و دیدگاه های لازم، فراهم کردن مقدمات لازم برای بروز عمل، اصلاح شرایط، ایجاد محیط مناسب و... جزو این روش ها هستند.

۱.۳.۲. قصه و داستان گویی

از روش های تأثیرگذار در بحث تربیت، بیان ارزش های تربیتی در ضمن قصه و داستان گویی است؛ زیرا قصه و داستان از چیزهایی است که فرزندان به آن علاقهٔ بسیار دارند و عاملی

ص:۵۷

مهم در شکل گیری شخصیت آن ها به شمار می رود. روش قصه گویی و داستان سرایی، روش حسی و تجربی است که تأثیرش از روش عقلی بیشتر است؛ زیرا درک آن برای همه میسّر است و نیاز به استدلال عقلی ندارد.

داستان ها به صورت ناخودآگاه، شالودهٔ رفتاری خاصی را برای کودکان می ریزند با این شرط که اندیشیده و براساس برنامه و مقصدی تهیه شده باشند. بسیاری از شرارت ها و ستمکاری ها و کج رَوی ها از طریق داستان در کودک پدید می آید و همچنین بسیارند جنبه های مثبت خلق وخوی آدمی که به علت شنیدن قصه ها ایجاد می شوند.(۱)

قرآن کریم نیز تاریخ و سرگذشت اقوام و ملل گذشته و بسیاری از اصول و ارزش های تربیتی و اخلاقی را به صورت قصه و داستان بازگو کرده است. مربیان تعلیم و تربیت دینی

ص:۵۰

۱- . علی قائمی، پرورش مذهبی و اخلاقی کودکان، چ۳، امیری، ۱۳۶۴، ص۱۰۷.

نیز باید از این روش بهره جویند و به این نکته توجه داشته باشند که اگر داستان های انتخابی آن ها با احساسات و عواطف فرزندان هماهنگی و سازگاری داشته باشد، به طور طبیعی تأثیر خود را بر فرزندان خواهد گذاشت.

به طور کلّی، وضعیت سنّی مخاطب، اوضاع اجتماعی، معتقدات و آداب و رسوم، وضعیت تاریخی و جغرافیایی و مکان قصه گویی، مناسب بودن داستان را مشخص می سازد؛ اما درعین حال، باید برای انتخاب قصه ای خوب و مناسب، نکاتی درنظر گرفت که برخی از آن ها عبارت اند از:(1)

۱. طرح قصّه به گونه ای باشد که در شنونده، انتظار بیافریند، نه آنکه ملال آور باشد؛ ۲. داستان گویی بهانه و وسیلهٔ نصیحت های مستقیم و توجیه و تفسیر مسائل بزرگ ترها نباشد؛

۱- . ناصر باهنر، پیشین، ص۲۰۶ و ۲۰۷.

بلکه پیام داستان از خود داستان بجوشد و غیرمستقیم بر مخاطب تأثیر بگذارد؛ ۳. زبان و پیام داستان با سنّ شنونده بیگانه نباشد؛ ۴. از بدآموزی و خرافه به دور باشد؛ ۵. مهم تر از همه، اینکه باید قصه گو سعی کند قصه و داستان برای کودکان فهمیدنی باشد و آن را به اندازهٔ رشد و درک آن ها بیان کند. بر این اساس، لازم است قصه گو نکات بسیاری در قصه گویی مراعات کند.

۲.۳.۲. روش موعظه و نصیحت

بزرگان برای موعظه، معانی متعددی ارائه کرده اند که به دلیل اختصار، به تعریف علامه طباطبایی دراین باره بسنده می کنیم. ازنظر ایشان، موعظه بیانی است که شنونده را نرم می کند و قلبش را به رقت می آورد.(۱) امروزه، هرگاه سخن از موعظه و نصیحت کردن پیش

۱- ۱. ترجمهٔ المیزان، ج۱۶، ص۱۲۳.

می آید و پدر یا معلمی دلسوز درصدد نصیحت و موعظه کردن فرزند و دانش آموز برمی آید، اولین ایرادی که مطرح می شود، این است که موعظه و نصیحت در مخاطبان تأثیری ندارد. می گویند موعظه و نصیحت کردن باد در غربال ریختن و آب در هاون کوفتن است؛ بنابراین، برای تربیت باید روش های دیگری را جست وجو کرد و به کار بست.(۱)

با همهٔ این اوصاف، به شهادت تاریخ، تقریباً همهٔ تمدن ها و نظام های تربیتی از این روش استفاده کرده اند. پندنامه های فراوانی که به صورت نثر یا شعر از گذشتگان به ما رسیده، گواه این مدعاست. نگاهی گذرا به سیرهٔ تربیتی معصومان نیز نشان دهندهٔ آن است که آنان از موعظه به عنوان روشی تربیتی استفاده می کردند و این مواعظ نیز مؤثر واقع می شد؛ بنابراین، نمی توان گفت، موعظه به عنوان روشی تربیتی کارایی ندارد. باید

۱- . محمد داوودی، تربیت دینی، ص۱۹۱ و ۱۹۲.

بگوییم که کارسازبودن این روش، همچون دیگر روش های تربیتی، هنگامی است که با شرایط و ویژگی های لازم همراه باشد.

برای آنکه روش موعظه و نصیحت به درستی نقش تربیتی خود را ایفا کند، شایسته است موعظه کننده، خود نمونۀ عملی از موعظۀ خویش باشد؛ همچنین موعظه گر زبانی نرم و لَیِّن داشته باشد تا سبب رقّت و خشیَت شود و این احساس را به طرف مقابل منتقل کند که خیرخواه و دوستدار اوست. نکتۀ دیگر اینکه موعظه باید متناسب با حال و وضع مخاطب باشد؛ زیرا معمولاً موعظه های طولانی و تکراری چیزی جز خستگی و ملال به دنبال ندارند. درنهایت، موعظه شونده نیز باید گوش موعظه پذیری داشته باشد و خود را برای پذیرش آن آماده سازد.

ص:۶۲

نتیجه گیری

مسئولیت والدین در تربیت دینی فرزندان و انتخاب شیوه های تربیتی مناسب، بسیار سرنوشت ساز است تا جایی که می توان گفت روش ها و الگوهای تربیتی آن ها به طور مستقیم با ویژگی هایی رابطه دارد که مایل اند در فرزندشان وجود داشته باشد.

در این میان، اختلاف در اهداف و روش های تربیتی مکاتب فکری و دینی مختلف ایجاب می کند که والدین به تناسب اهداف و اصول و ارزش های دینی خود، با بهره گیری از منابع دینی و تحقیقات و پژوهش های انجام شده، عوامل و روش های مؤثر درزمینهٔ تربیت دینی را شناسایی کنند و شیوه های مناسبی را برای تربیت فرزندان خود برگزینند.

ص:۶۳

برای مطالعهٔ بیشتر

۱. حسینی زاده، سیدعلی، سیرهٔ تربیتی پیامبر و اهل بیت (تربیت فرزند)، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۲. ابوطالبی، مهدی، تربیت دینی از دیدگاه امام علی، مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۳. تنه کار، محسن، چگونگی تربیت فرزندان دلخواه، نجابت.

۴. قائمی مقدم، محمّدرضا، روش های آسیب زا در تربیت از منظر تربیت اسلامی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۶. محمدیان، مجید، روش های تربیت نوجوانان و جوانان در اسلام، انتشارات خُلُق.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹
امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹